گزارش

تصمیم عجیب FIVB راه صعود تیم‌های ضعیف را باز کرد و سرنوشت ایران را مبهم

پول جای شایستگی

داوود کمالی

تصمیم تازه فدراسیون جهانی والیبال، بار دیگر عدالت ورزشی را زیر سوال برده و حاشیه‌های گسترده‌ای برای لیگ ملت‌های ۲۰۲۵ به‌وجود آورده است؛ تصمیمی که نه‌تنها مسیر رقابت‌ها را تغییر می‌دهد بلکه حتی می‌تواند سرنوشت تیم ملی ایران را هم تحت تأثیر قرار دهد.

رقابت‌های امسال با حضور ۱۸ تیم از قاره‌های مختلف آغاز شده و طبق برنامه تا اواخر تیر ادامه خواهد داشت. طبق قانون این تورنمنت، تنها ۸ تیم فرصت حضور در دور نهایی را پیدا می‌کنند و پایین‌ترین تیم جدول هم سهمیه فصل آینده را از دست می‌دهد. در این میان اما یک امتیاز ویژه همیشه برای میزبان فینال وجود دارد: تیم میزبان بدون توجه به جایگاهش، به شکل تضمینی در مرحله نهایی حاضر خواهد بود.

این امتیاز در سال‌های قبل، به کشورهایی داده می‌شد که خودشان در بین قدرت‌های برتر والیبال جای داشتند؛ یعنی حتی بدون امتیاز میزبانی هم حضورشان در جمع ۸ تیم برتر قطعی بود اما امسال شرایط فرق کرده و ماجرا عجیب‌تر از همیشه جلو رفته است.

■ میزبانی بحث‌برانگیز چین

چند ماه پیش از شروع مسابقات، FIVB اعلام کرد فینال لیگ ملت‌ها در چین برگزار خواهد شد. این خبر از همان لحظه موجی از اعتراض و شگفتی به همراه داشت، چون تیم ملی چین از نظر فنی فاصله زیادی با مدعیان اصلی دارد و حتی در جدول فعلی جایگاهی نزدیک به قعر دارد.

بر اساس قوانین، اگر میزبان در پایان مرحله گروهی جزو ۸ تیم بالای جدول نباشد، به طور خودکار جای تیم هشتم را می‌گیرد و به فینال می‌رسد. یعنی حتی اگر چین هفدهم یا هجدهم شود، همچنان در دور نهایی حضور خواهد داشت. تصور کنید تیمی که شاید حتی فصل آینده در لیگ ملت‌ها نباشد، همین امسال در مرحله نهایی بازی کند!

این سناریوی عجیب در شرایطی اتفاق می‌افتد که چین در حال حاضر رده شانزدهم جدول را در اختیار دارد و خطر سقوط کاملا جدی است. یعنی احتمال دارد در نهایت تیمی که حذف شده، باز هم با امتیاز میزبانی به فینال برسد! چنین صحنه‌ای طبیعتا برای بسیاری از تیم‌ها، از جمله ایران، ناعادلانه است، چرا که ممکن است یک تیم شایسته فقط به دلیل این قانون عجیب و معامله مالی پشت پرده، فرصت حضور در فینال را از دست بدهد.

■ پول، عامل اصلی تصمیم

پشت این تصمیم، انگیزه مالی کاملا روشن دیده می‌شود. منابع غیررسمی می‌گویند چین مبلغ بسیار بالایی به فدراسیون جهانی پرداخت کرده تا میزبانی فینال را بگیرد. از نگاه FIVB، این میزبانی به معنای درآمد هنگفت است؛ بلیت‌فروشی، تبلیغات و پخش تلویزیونی در بازاری بزرگ مثل چین سود سرشاری دارد اما بهای این درآمد، ضربه به اعتبار مسابقات است.

در ظاهر، همه چیز طبق قانون پیش می‌رود اما در باطن مشخص است ماجرا فقط یک معامله اقتصادی است. اگر چین تیمی در حد ایتالیا یا لهستان بود، کسی اعتراضی نمی‌کرد اما وقتی تیمی که حتی شانس بقا ندارد با پول میزبانی می‌گیرد و به فینال می‌رسد، طبیعی است منتقدان بگویند عدالت قربانی منافع مالی شده است.

■ تأثیر مستقیم بر ایران

تیم ملی ایران که در تلاش برای حضور در جمع ۸ تیم برتر است، ممکن است قربانی مستقیم این تصمیم شود. فرض کنید ایران هشتم شود و چین پانزدهم؛ طبق قانون باید ایران به فینال برود اما به دلیل میزبانی، چین جای ایران را خواهد گرفت و تیم ما حذف می‌شود. چنین وضعیتی حتی انگیزه بازیکنان را هم کم می‌کند، چون می‌دانند رقابت نابرابر است و تلاش‌شان ممکن است به دلیل یک قرارداد پشت پرده نادیده گرفته شود.

این تصمیم در واقع یک پیام روشن دارد: پول مهم‌تر از شایستگی است. این نگاه در طولانی‌مدت می‌تواند به روح رقابت ضربه بزند و اعتبار تورنمنت را خدشه‌دار کند.

■ آینده مبهم رقابت‌ها

اگر چین در نهایت در قعر جدول قرار بگیرد اما همچنان در فینال حاضر باشد، عملا این رقابت به یک شوخی تبدیل می‌شود. تیمی که حتی در بین بهترین‌ها نیست، با پول به مهم‌ترین مرحله تورنمنت راه پیدا می‌کند. چنین صحنه‌ای می‌تواند باعث تمسخر این مسابقات در رسانه‌های جهانی شود.

این تصمیم همچنین الگویی خطرناک ایجاد می‌کند. از این پس هر کشوری پول بیشتری داشته باشد می‌تواند میزبانی را بخرد و بدون زحمت ورزشی به فینال برسد. در چنین شرایطی، دیگر رقابت معنای واقعی‌اش را از دست می‌دهد و تبدیل به یک نمایش تجاری می‌شود.

■ والیبال یا تجارت؟

سوال اصلی همین است: آیا والیبال جهانی قرار است میدان رقابت باشد یا عرصه معامله‌های اقتصادی؟ FIVB با این حرکت نشان داد نگاهش بیش از پیش تجاری شده و شاید ارزش‌های ورزشی برایش در اولویت دوم قرار گرفته است. این روند اگر ادامه یابد، ممکن است حتی هواداران و اسپانسرهای واقعی ورزش هم دلسرد شوند، چون چیزی که می‌بینند بیشتر پروژه مالی است تا رقابت سالم.

تصمیمی که در ظاهر ساده به نظر می‌رسد، در عمل می‌تواند زنجیره‌ای از پیامدهای منفی داشته باشد؛ از حذف ناعادلانه تیم‌های شایسته گرفته تا بی‌اعتبار شدن رقابت‌ها و ایجاد حس بی‌عدالتی در بین بازیکنان و هواداران. لیگ ملت‌های والیبال ۲۰۲۵ شاید به خاطر همین میزبانی جنجالی چین، همیشه در تاریخ این رقابت‌ها به عنوان نمونه‌ای از پیروزی پول بر عدالت ورزشی ثبت شود.

نارضایتی عمومی بازیکنان و کادر فنی استقلال از اردوی ترکیه

ناآماده‌سازی

علی دارابی‌منش

روزهای استقلال در کمپ تمرینی ازمیت ترکیه آنطور که تصور می‌شد پیش نمی‌رود. شاید در نگاه اول حضور تیم در یک اردوگاه خارجی برای هواداران دلگرم‌کننده به نظر بیاید اما واقعیت امر کاملاً متفاوت است. ریکاردو ساپینتو، سرمربی استقلال که عادت دارد تمریناتش را با همه بازیکنانش برگزار کند، حالا در شرایطی عجیب و غریب قرار گرفته است؛ شرایطی که فعلا او را به سکوت وادار کرده تا ببینند آیا مدیران استقلال در نهایت راه‌حلی برای خروج از این وضعیت پیدا می‌کنند یا نه.

استقلالی‌ها برای آماده‌سازی پیش از دیدار حساس سوپرجام و شروع فصل تازه لیگ برتر، از چند روز پیش اردوی خود را در ترکیه آغاز کردند. طبق برنامه‌ای که از قبل چیده شده بود، قرار بر این بود بازیکنان زیر نظر کادر فنی به سطح ایده‌آل جسمانی برسند و نکات فنی و تاکتیکی مرور شود اما این اردو از همان روز اول با غیبت‌های تأثیرگذار همراه شد؛ بازیکنانی که حضورشان برای اجرای برنامه‌های تاکتیکی ساپینتو ضروری است، هنوز به تیم اضافه نشده‌اند و این چیزی است که سرمربی پرتغالی را به‌شدت آزرده‌خاطر کرده است.

ساپینتو از همان بدو ورود به ترکیه وقتی با کمبود بازیکن مواجه شد، خیلی زود درخواستش را به گوش مدیران باشگاه رساند. او صراحتاً از جویباری، مدیرعامل باشگاه خواست هر طور شده بازیکنان باقیمانده را سریع‌تر به ترکیه اعزام کند و اجازه ندهد تمرینات حساس و حیاتی این اردو تحت تأثیر غیبت آنها از دست برود. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ساپینتو کاپیتان تیم است. سیدحسین حسینی که هنوز تکلیفش با باشگاه استقلال مشخص نیست، در تهران مانده و به اردو نرفته است. این غیبت دقیقاً در زمانی اتفاق افتاده که کادر فنی به حضور او به‌شدت نیاز دارد. ساپینتو به مدیران استقلال اعلام کرده نمی‌تواند تا ابد منتظر روشن شدن وضعیت حسینی بماند و درخواست کرده هرچه سریع‌تر تکلیف او مشخص شود.

سرمربی پرتغالی استقلال با وجود اینکه به ظاهر سکوت اختیار کرده، در جلسات خصوصی و حتی گفت‌وگو با دستیارانش به‌شدت از این شرایط ابراز نارضایتی کرده است. برای ساپینتو قابل قبول نیست اردوی حساس پیش‌فصل بدون حضور تمام نفرات تیم تشکیل شود و عملاً برنامه‌های تاکتیکی او تحت تأثیر این کمبودها قرار گیرد.

مدیران استقلال البته به ظاهر تلاش می‌کنند با جذب بازیکنان مورد نظر سرمربی تیم، هرچه سریع‌تر اوضاع را به حالت عادی بازگردانند اما حقیقت آن است که هر روز که از اردوی ترکیه سپری می‌شود و بازیکنان مدنظر ساپینتو به این اردو اضافه نمی‌شوند، نگرانی او بیشتر و بیشتر می‌شود. او بخوبی می‌داند زمان کمی برای هماهنگی کامل و اجرای برنامه‌های تاکتیکی‌اش در اختیار دارد و اگر این فرصت طلایی را از دست بدهد، تیم در طول فصل با مشکلات جدی مواجه خواهد شد.

حالا باید دید آیا جویباری و دیگر مدیران استقلال می‌توانند ظرف روزهای آینده پاسخگوی درخواست‌های ساپینتو باشند یا این دلخوری‌های پنهان سرمربی پرتغالی در نهایت علنی شده و استقلال پیش از شروع فصل جدید لیگ برتر، درگیر حاشیه‌ای ناخواسته می‌شود. چیزی که مشخص است، سکوت ساپینتو نمی‌تواند برای همیشه ادامه پیدا کند و دیر یا زود این نارضایتی به سطح عمومی خواهد رسید، مگر اینکه مدیران استقلال بتوانند با تصمیمات درست و به‌موقع، تیم را از این بحران پنهان نجات دهند.

بحران تازه در اردوی آبی‌ها
مصدومیت ستاره تازه‌وارد

رستم آشورماتف، مدافع تازه‌وارد ازبک استقلال که قرار بود ستون جدید خط دفاع آبی‌ها باشد، حالا به بزرگ‌ترین دغدغه کادر فنی و هواداران بدل شده است. این بازیکن که تنها ۲ هفته از حضورش در جمع شاگردان ساپینتو گذشته، در جریان تمرینات آماده‌سازی در کمپ ترکیه به شکل ناگهانی از ناحیه زانو دچار آسیب شد؛ اتفاقی که فضای آرام اردوی استقلال را به یکباره ملتهب کرد.

در ساعات اولیه پس از این مصدومیت، تیم پزشکی باشگاه با اقدامات اولیه نظیر کنترل تورم و تثبیت زانو تلاش کرد شرایط او را پایدار نگه دارد. در ادامه، تصویربرداری MRI برای روشن شدن ماهیت دقیق صدمه انجام شد. طبق برآورد اولیه پزشکان، این مدافع حداقل یک ماه و نیم از شرایط مسابقه دور خواهد بود و نیاز به یک دوره بازتوانی و فیزیوتراپی فشرده دارد. اما گزارش‌های غیررسمی و زمزمه‌هایی که از نتایج اولیه بیرون آمده، ابعاد نگران‌کننده‌تری از ماجرا را نشان می‌دهد.

منابع آگاه درون اردو خبر داده‌اند که در معاینه زانوی آشورماتف نشانه‌هایی از ناپایداری مشاهده شده و تصاویر MRI نیز حکایت از پارگی کامل رباط داخلی و آسیب‌دیدگی نسبی رباط صلیبی دارد. چنین وضعیتی در بدبینانه‌ترین حالت می‌تواند او را ماه‌ها از میادین دور کند، مگر آنکه در معاینات تکمیلی مشخص شود نیاز به جراحی وجود ندارد. قرار است ارزیابی دوم توسط پزشک ارتوپد هفته جاری انجام شود تا تصمیم نهایی درباره ادامه مسیر درمانی مشخص شود.

اگر جراحی اجتناب‌ناپذیر باشد، استقلال با یک شوک بزرگ پیش از شروع لیگ مواجه خواهد شد، زیرا طبق مقررات، او باید از لیست فصل جدید خارج شود و باشگاه ناچار به جذب فوری جانشین خواهد بود. چنین سناریویی حتی ممکن است برنامه‌های ساپینتو برای سازماندهی دفاع تیم را به کلی به‌هم بریزد و مهره‌هایی مانند سامان فلاح مجبور به ایفای نقشی فراتر از تصور اولیه شوند.

مصدومیت رباط، حتی اگر کامل نباشد، کابوس هر فوتبالیستی است. بویژه در پست مدافع میانی که فشارهای فیزیکی و درگیری‌های مستقیم نقش مهمی در عملکرد بازیکن دارد. اگر این آسیب همزمان رباط داخلی و صلیبی را درگیر کرده باشد، دوران بازگشت می‌تواند طولانی و طاقت‌فرسا شود.

در حال حاضر، باشگاه استقلال سکوت محتاطانه‌ای در پیش گرفته و تلاش دارد بدون ایجاد موج منفی در افکار عمومی، روند بررسی‌ها را پیش ببرد. با این حال، طرفداران پرشمار آبی‌ها بی‌صبرانه منتظرند بدانند خرید مهم تابستانی‌شان چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد؛ آیا فقط چند هفته آغازین لیگ را از دست می‌دهد یا باید ماه‌ها شاهد غیبتش باشند؟

این آسیب در حساس‌ترین مقطع آماده‌سازی رخ داد و حالا نگاه‌ها به تصمیم نهایی پزشکان دوخته شده است. استقلال در فصل تازه نیازمند خط دفاعی مستحکم است و هر لغزشی می‌تواند بهای سنگینی داشته باشد. اگر نتیجه ارزیابی دوم مثبت نباشد، مدیران باشگاه باید خیلی زود دست به کار شوند و سناریوی جایگزین را عملی کنند، چرا که فرصت برای تقویت دوباره تیم در آستانه شروع لیگ محدود است.

جدال تازه سرخابی‌ها برای خرید زارع

نبرد بر سر پدیده

علی دارابی

فصل نقل‌وانتقالات در فوتبال ایران هیچ‌گاه بدون حضور ۲ رقیب سنتی، استقلال و پرسپولیس، هیجان واقعی‌اش را پیدا نمی‌کند. هر تابستان یک نام بر سر زبان‌ها می‌افتد و رقابت مرسوم قرمز و آبی برای جذب وی، به سوژه اصلی رسانه‌ها بدل می‌شود. این بار نوبت محمدمهدی زارع است؛ مدافع ۲۰ ساله‌ای که در گل‌گهر سیرجان با بازی‌های بی‌نقص و جسورانه‌اش توجه همه را جلب کرد و حالا دوباره بر سر میز مذاکره، سرنوشتش در حال تغییر است.

زارع که تازه از اردوی تیم ملی امید بازگشته، هنوز در تمرینات پیش‌فصل گل‌گهر حاضر نشده و همین غیبت، گمانه‌زنی‌ها را تقویت کرده است. او تابستانی پرحاشیه و پرخبر را پشت سر می‌گذارد؛ جوانی که تنها یک فصل در لیگ برتر کافی بود تا نامش به فهرست خرید ۲ غول پایتخت اضافه شود.

■ پرسپولیس؛ نیاز فوری به خون تازه

سرخ‌های پایتخت این روزها به شکل جدی وارد مذاکره شده‌اند. گفته می‌شود زارع نخستین گزینه پرسپولیس برای ترمیم خط دفاع است و مدیران باشگاه حتی جلسات متعددی برای نهایی کردن توافق برگزار کرده‌اند. پرسپولیس در صورتی که موفق به جلب رضایت گل‌گهر نشود، طبق برنامه آماده است سراغ جذب یک مدافع خارجی برود اما واضح است حضور یک چهره آینده‌دار ایرانی در لیست اصلی این تیم، هم از نظر فنی و هم در نگاه رسانه‌ای ارزش بالایی دارد.

پرسپولیس پس از جدایی برخی مهره‌های باتجربه‌اش، به دنبال تزریق انرژی جوانی به ترکیب است. زارع از این جهت گزینه‌ای ایده‌آل محسوب می‌شود؛ بازیکنی با توانایی پوشش چند پست دفاعی، سرعت بالا و شم بالای بازی‌خوانی. از طرفی حضور او می‌تواند رقابت سالمی در خط دفاع سرخ‌ها ایجاد کند، چیزی که پرسپولیس فصل گذشته بارها کمبودش را احساس کرد.

■ استقلال؛ نگران خلأ دفاعی

در آن سوی ماجرا، آبی‌های پایتخت هم به همان اندازه انگیزه دارند. مصدومیت رستم آشورماتف، مدافع تازه‌وارد ازبک، ناگهان معادلات استقلال را بر هم زد و حالا تقویت فوری خط دفاع، یک ضرورت حیاتی برای ساپینتو و کادر مدیریتی‌اش است. به همین دلیل زارع دوباره در دستور کار باشگاه قرار گرفته و تماس‌ها با مدیران گل‌گهر از سر گرفته شده است. برای استقلال، جذب این مدافع جوان که چند سال پیش کاپیتان تیم جوانان استقلال هم بود، تنها یک خرید معمولی نیست، بلکه می‌تواند حکم یک پیام روشن به هواداران داشته باشد: باشگاه در آستانه لیگ جدید اجازه نخواهد داد مصدومیت یک بازیکن، دست تیم را خالی بگذارد. استقلالی‌ها امیدوارند با پیشنهادی مناسب، در کورس با رقیب سنتی برنده شوند و بار دیگر ثابت کنند در بازار نقل‌وانتقالات حرف اول را می‌زنند.

■ گل‌گهر؛ بین نیاز و اجبار

اما گره ماجرا در سیرجان است. گل‌گهر تابستان پرفشاری را تجربه کرده؛ خروج چند مهره کلیدی و ناکامی در نگه داشتن بازیکنان مهمی چون عثمان اندونگ، محمدرضا اخباری و ابوالفضل رزاق‌پور، شرایط تیم را متزلزل کرده است. فروش زارع در چنین فضایی، به معنای یک خروجی مهم دیگر خواهد بود و این ریسک بزرگی است که می‌تواند روی جایگاه تیم در فصل آینده تأثیر مستقیم بگذارد. با این حال، محمد اسفندیارپور، مدیرعامل گل‌گهر، در گفت‌وگویی غیررسمی اشاره کرده بود اگر باشگاه بتواند جایگزین مناسبی برای خط دفاع پیدا کند، احتمال فروش این مدافع ملی‌پوش وجود دارد. مهدی تارتار، سرمربی گل‌گهر هم دیگر مانند چند هفته پیش، مخالفت سرسختانه‌ای با این انتقال ندارد، به شرط آنکه باشگاه مهره‌های جایگزین را پیش از جدایی قطعی جذب کند.

■ نبردی فراتر از یک خرید

ماجرای مهدی زارع صرفاً یک انتقال ساده نیست. این رقابت، بار روانی و رسانه‌ای دارد؛ هر تیمی که در نهایت موفق به جذب او شود، یک پیروزی نمادین هم در جنگ سنتی سرخابی‌ها به دست خواهد آورد. حتی اگر زارع هنوز یک ستاره کامل نباشد اما برای هواداران، شکست دادن رقیب در چنین جدالی اهمیت بیشتری از خود بازیکن پیدا می‌کند. به همین دلیل احتمال می‌رود در روزهای آینده اخبار داغی از مذاکرات نهایی منتشر شود. اینکه آیا زارع در لیگ بیست‌وپنجم همچنان در سیرجان می‌ماند یا پیراهن یکی از غول‌های پایتخت را به تن خواهد کرد، معمایی است که خیلی زود پاسخ آن مشخص می‌شود.

یک نکته مسلم است؛ گل‌گهر اگر این مدافع جوان را از دست بدهد، با توجه به خروج‌های قبلی، کار سختی برای تکرار جایگاه فصل گذشته خواهد داشت. از سوی دیگر، سرنوشت نقل‌وانتقالاتی زارع می‌تواند تعیین‌کننده فاز نهایی خریدهای ۲ باشگاه بزرگ باشد.

بررسی موج تازه خریدهای تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران از ازبکستان

خرید از بخارا

مهدی مرسلی

لیگ برتر فوتبال ایران در آستانه شروعی دوباره است اما نگاه‌ها بیش از همیشه به بازیکنانی دوخته شده که از شرق خزر می‌آیند؛ فوتبالیست‌های ازبک. اگر چند سال قبل، شنیدن خبر جذب یک بازیکن از ازبکستان در فوتبال ایران کمی عجیب بود، حالا این اتفاق تبدیل به روال عادی شده و هر پنجره نقل‌وانتقالاتی، نام‌های تازه‌ای از تاشکند و بخارا سر از باشگاه‌های ایرانی درمی‌آورند. پرسش اما این است: چرا چنین روندی شکل گرفته و چه دلایلی پشت این تصمیم باشگاه‌های ایرانی نهفته است؟

■ تغییر معادلات جذب خارجی‌ها

فضای اجتماعی و اقتصادی ایران در ماه‌های اخیر دستخوش تغییرات متعددی شده است. همین شرایط باعث شده بسیاری از فوتبالیست‌های اروپایی و آمریکای جنوبی که پیش‌تر در لیگ ایران حضور داشتند، حالا از آمدن به تهران، اصفهان یا تبریز صرف‌نظر کنند. به همین دلیل مدیران باشگاه‌ها به جای جست‌وجو در بازارهای دوردست، سراغ بازیکنان کشورهای همسایه رفته‌اند؛ جایی که هم تطبیق فرهنگی راحت‌تر است و هم ریسک مهاجرت کمتر. ازبکستان به عنوان کشوری نزدیک از نظر جغرافیایی و فرهنگی، یکی از بهترین گزینه‌ها برای این تغییر مسیر به حساب می‌آید.

■ بازیکنانی که درخشیدند

هر روندی برای تثبیت، نیاز به یک نقطه شروع دارد؛ یک جرقه که نگاه‌ها را تغییر دهد. در یکی دو فصل گذشته، فوتبالیست‌هایی مثل یوسوپف، ارونوف و ماشاریپف در لیگ برتر ایران توانستند کیفیت فنی‌شان را بخوبی ثابت کنند و نگاه مربیان و مدیران را عوض کنند. حالا همان‌طور که زمانی در بوندس‌لیگا، حضور درخشان شینجی کاگاوا مسیر بازیکنان ژاپنی و کره‌ای را هموار کرد، لیگ ایران هم با نمونه‌های موفق ازبک به یک مقصد تازه برای ستاره‌های آسیای میانه بدل شده است.

■ آشنایی نزدیک در زمین

تیم‌های ملی ایران و ازبکستان در سال‌های اخیر بارها مقابل هم بازی کرده‌اند. همین تقابل‌های مکرر باعث شد مربیان ایرانی از نزدیک شاهد توانایی‌های فوتبالیست‌های ازبک باشند. تیم ملی ازبکستان حتی در تورنمنت‌های منطقه‌ای، مثل جام CAFA، نمایش‌های قابل توجهی برابر ایران داشت و همین بازی‌ها فرصت شناخت بیشتری را فراهم کرد. وقتی یک مربی بارها کیفیت یک بازیکن را مقابل تیم خودش دیده، طبیعتا برای جذب او تردید کمتری خواهد داشت.

■ نقش فیفا؛ واقعیت یا توهم؟

شاید برخی فکر کنند حضور بازیکنان ازبکستانی در فوتبال ایران به‌دلیل پول‌های فیفاست. ماجرا این است که فیفا برای جبران غیبت بازیکنان باشگاهی در طول جام جهانی، مبلغی را بابت هر روز حضور در اردوهای ملی به باشگاه‌ها پرداخت می‌کند. در جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر، این مبلغ حدود ۱۰ هزار دلار در روز بود و برای تورنمنت ۲۰۲۶ آمریکا و کانادا و مکزیک احتمالا به ۱۲ تا ۱۳ هزار دلار می‌رسد.

اما واقعیت این است که این پول، آنقدرها هم که به نظر می‌رسد جذاب نیست. چرا؟ چون فیفا مبلغ را بین باشگاه‌هایی تقسیم می‌کند که بازیکن در ۳-۲ سال اخیر برای‌شان بازی کرده. یعنی ستاره‌ای مثل آشورماتف به استقلال آمد اما ۲ فصل قبل برای روبین‌کازان بازی کرده پس سهم عمده این پول نصیب باشگاه روس می‌شود. در نتیجه باشگاه ایرانی نهایتا درصدی از آن را دریافت می‌کند، در حالی که برای خرید و قرارداد او چند صد هزار دلار هزینه کرده است.

■ اقتصاد و جغرافیا حرف اول را می‌زند

از نگاه بازیکنان ازبکستانی، بازی در ایران چند مزیت دارد: هزینه و زمان سفر به اردوی تیم ملی‌شان کمتر است، تفاوت آب‌وهوا و ساعت رسمی هم ناچیز است و ارتباط با خانواده راحت‌تر برقرار می‌شود. حتی شوموردف، مهاجم معروف ازبکستان، در یک پادکست گفته بود خوشحال است چند نفر از هم‌تیمی‌های ملی‌اش در یک کشور یا لیگ واحد بازی می‌کنند.

از سوی دیگر، باشگاه‌های ایرانی هم در شرایطی که امکان جذب بازیکنان گران‌قیمت اروپایی یا آمریکای جنوبی را ندارند، ترجیح می‌دهند سراغ بازیکنان منطقه بروند که حرفه‌ای، خوش‌اخلاق و کم‌حاشیه هستند و کیفیت‌شان هم برای سطح لیگ برتر کافی است.

■ تجربه خوب، تبلیغ بی‌هزینه

وقتی یک بازیکن خارجی در تیمی عملکرد خوبی داشته باشد، خودبه‌خود تبدیل به سفیر لیگ مقصد می‌شود. حضور موفق ماشاریپف، یوسوپف و ارونوف باعث شد خبر جذب فوتبالیست‌های ازبک دیگر، نه‌تنها برای مدیران باشگاه‌ها، بلکه برای هواداران هم خوب باشد. حالا وقتی هوادار استقلال یا پرسپولیس نام یک بازیکن جدید از ازبکستان را می‌شنود، او را با کیفیت و تعصب بازیکنان قبلی مقایسه می‌کند، نه با خارجی‌های کم‌کیفیتی که در گذشته ناکام ماندند.

■ سود مشترک بازیکن و باشگاه

این همکاری دوطرفه است. باشگاه ایرانی در شرایط فعلی، یک بازیکن مطمئن و حرفه‌ای را با هزینه کمتر نسبت به اروپایی‌ها می‌گیرد و شاید بخشی از هزینه‌اش را هم از طریق برنامه‌های فیفا جبران کند.

از طرف مقابل، فوتبالیست ازبک هم شانس بازی در یک لیگ رقابتی و پرتماشاگر را پیدا می‌کند و از نظر فنی و مالی سود می‌برد.

■ انتخاب منطقی

جذب بازیکنان ازبکستانی نه یک اتفاق تصادفی، بلکه نتیجه زنجیره‌ای از دلایل منطقی است: شرایط خاص فوتبال ایران، محدودیت‌های جذب بازیکنان دوردست، تجربه موفق چند بازیکن، شناخت فنی از طریق بازی‌های ملی و نزدیکی فرهنگی و جغرافیایی. شاید فیفا بخشی از این معادله باشد اما اصل ماجرا جای دیگری است؛ این انتقالات حاصل یک تعامل برد - برد است که هم برای باشگاه‌های ایرانی سود دارد و هم برای بازیکنان ازبک به همین دلیل، هر قدر هم پنجره‌های نقل‌وانتقالاتی تغییر کند، بعید است تا وقتی این دلایل پابرجاست، موج حضور بازیکنان آسیای میانه در لیگ ایران فروکش کند.